رویداد

یک شهید و ۵ مجروح در حمله تروریستی نیکشهر

● روز گذشته شهر نیکشهر شاهد حمله مسلحانه تروریستی بود؛ حمله‌ای تروریستی به ناحیه مقاومت بسیج که در آن یک نفر از کارکنان سپاه به شهادت رسید و پنج نفر نیز مجروح شدند. قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه جنوب شرق کشور، در اطلاعیه‌ای شهادت مرتضی علی‌احمدی را بر اثر حمله مسلحانه تروریست‌ها به ناحیه مقاومت بسیج در نیکشهر تأیید کرد. به گفته دادستان عمومی و انقلاب نیکشهر، دو فرد مسلح با عبور از دیوار مجاور اقدام به تیراندازی کردند که در این حادثه، یک نفر از کارکنان سپاه به شهادت رسیده و پنج نفر دیگر نیز مجروح شده‌اند. عوامل این حمله تروریستی هنوز دستگیر نشده‌اند. به گزارش «ایسنا»، محسن گل‌محمدی دراین‌باره گفت: «تمام نیروهای امنیتی برای شناسایی و دستگیری این افراد بسیج شده‌اند و به‌زودی دستگیر خواهند شد. درحال‌حاضر شهر در امنیت کامل قرار دارد و مجروحان این حادثه نیز برای مداوا به بیمارستان اعزام شده‌اند». گل‌محمدی ادامه داد: «دستگیری عاملان این جنایت در اولویت کاری همه نهادهای امنیتی و انتظامی قرار دارد و با توجه به سرنخ‌های به‌جامانده، به‌سرعت دستگیر خواهند شد و اطلاعات تکمیلی به اطلاع مردم شریف استان خواهد رسید». معاون امنیتی استاندار سیستان‌وبلوچستان نیز دراین‌باره گفت: «این حادثه از سوی نیروهای امنیتی و اطلاعاتی در دست پیگیری است. دشمن با توجه به ۴۰سالگی انقلاب، هدفش ناامن‌کردن منطقه است که با انجام چنین حوادثی، راه به جایی نخواهد برد. محمدهادی مرعشی افزود: «امروز سیستان‌وبلوچستان در مسیر توسعه قرار گرفته و دشمنان نظام و انقلاب برنامه‌های ویژه‌ای برای برهم‌زدن وحدت حاکم در استان دارند که همه آحاد مردم باید در برابر این تحرکات هوشیار باشند». تا لحظه تنظیم این گزارش، حال دو نفر از مجروحان این حادثه وخیم اعلام شده بود. به نوشته «تسنیم»، گروه تروریستی موسوم به «جیش‌العدل» مسئولیت این حمله تروریستی را بر عهده گرفته است. این گروه چند روز قبل نیز با کارگذاشتن دو بمب صوتی در حاشیه شهر زاهدان، دنبال ایجاد فضای رعب و وحشت بود. این گروه تروریستی همان گروهی است که مهر سال جاری ۱۱ نفر از مرزبانان ایران را در مرز میرجاوه ربود. از این ۱۱ نفر، پنج نفر در آذر به ایران بازگشتند، اما اطلاعات روشنی از باقی مرزبانان در دست نیست؛ گرچه گفته شده که آنها سالم هستند.

محسن رضایی:

دنبال مجلس سنا نیستیم

● **شرق:** مجمع تشخیص مصلحت نظام در مظان اتهام تبدیل‌شدن به مجلس سنا است. این اتهام به‌ویژه در ماجرای لوایح اف‌ای‌تی‌اف و انتقادات مجلسیان به عملکرد هیئت ۱۵ نفره نظارت مجمع و استفسار شورای نگهبان از مجمع تشخیص مصلحت نظام اوج گرفت؛ چراکه مجلس معتقد است قانون‌گذاری طبق قانون صرفا از وظایف مجلس است. دیروز محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، خواسته است در مقام دفاع از نهاد تحت مدیریتش اتهام‌زدایی کند، برای همین گفته است: «در ابتدا وظیفه مجمع حل اختلاف مجلس و شورای نگهبان بود، اما پس از آن سیاست‌گذاری و نظارت راهبردی در اداره کشور بر عهده مجمع گذاشته شد. رهبر انقلاب از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام اختلافات را رفع و سیاست‌های راهبردی را محقق کرده و بر اجرای این سیاست‌ها نظارت می‌کنند. ما قبلا سیاست‌نویسی می‌کردیم اما امروز با دستور رهبری وارد مرحله سیاست‌گذاری شدیم. ما به دنبال مجلس سنا نیستیم و چارچوبی که قانون اساسی برای مجمع تعیین کرده، کاملا مشخص است». این شائبه شاید از زمانی مطرح شد که بعد از تغییرات ساختاری در مجمع تشخیص مصلحت نظام، بعد از فوت آیت‌الله هاشمی، محل برگزاری جلسات مجمع از کاخ مرمر به مجلس سنا منتقل شد. ماجرا با سخنان مرحوم شاهرودی، رئیس بعدی مجمع، ابعاد جدی‌تری به خود گرفت. او دریک برنامه تلویزیونی گفت: «مدتی است مطرح می‌شود که در بازنگری قانون اساسی، کشور ما مانند برخی از کشورهای دومجلسی، با دو مجلس اداره شود؛ هم‌اکنون نیز می‌توان گفت که مجمع تشخیص مصلحت نظام مقدار مهمی از وظایف مجلس سنا در نظام‌های دومجلسی را انجام می‌دهد». با این اظهارات مرحوم هاشمی شاهرودی این، سؤال پیش آمد که آیا واقعا می‌توان گفت که مجمع تشخیص مصلحت تمام یا بخشی از وظایف مجلس سنا در نظام‌های دومجلسی را بر عهده دارد؟ در واقع مجلس سنا یا مجلس دوم در دیگر نظام‌ها، به معنای واقعی کلمه مجلس قانون‌گذاری است. درحالی‌که مجمع تشخیص مصلحت، اساسا چنین صلاحیتی ندارد و حتی تعیین سیاست‌های کلی نظام نیز از صلاحیت‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام نیست. سابقه مجمع تشخیص مصلحت نظام به زمان امام باز می‌گردد که درپی اختلاف نظر بین مجلس و شورای نگهبان، تصمیم به شکل‌گیری نهادی برای حل اختلاف بین این دو نهاد گرفته شد.

عباس آخوندی، وزیر مستعفی دولت:

الزامی ندارد دولت دو دوره‌ای باشد

شرق، گروه سیاسی: در باب همه موضوعات به گفت‌وگو نشستیم؛ از مسائل شهری و اجتماعی گرفته تا موضوعات اقتصادی و سیاسی و در آخر به گلایه‌ها از دولت رسیدیم. با عباس آخوندی در دفتر روزنامه «شرق» گفت‌وگو را آغاز کردیم و آن‌قدر درباره موضوعات مختلف صحبت به میان آمد که گفت‌وگو را به دلیل خستگی به پایان بردیم! عباس آخوندی در همه موضوعات از نظریاتی گفت که نتوانست آنها را به اجرا دربیاورد. در آخر که نوبت به سؤالات سیاسی رسید، صریح‌تر نظریاتش را مطرح کرد. از نوعی روزمرگی در دولت سخن گفت؛ از اینکه دولت در همه عرصه‌ها نظریه ندارد. از برجام انتقاد کرد و اینکه چرا باید مفهومی به اسم ریاست‌جمهوری دودوره‌ای شکل بگیرد. در این فاصله، نقش برخی افراد را نیز نادیده نمی‌گرفت؛ اما در برابر اصرار ما، حاضر نبود نامی از کسی ببرد و محدودشدن مشکلات دولت به دخالت افراد را دیدگاهی تقلیل‌گرایانه می‌نامید. او همچنین بر این تأکید داشت که در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری، جریان اصلاحات روی اسبی سرمایه‌گذاری کرد که بعد از انتخابات، اسب را کس دیگری برده است. استعفای آخوندی به‌عنوان وزیر راه‌وشهرسازی، استعفایی به‌غایت سیاسی بود؛ چراکه او حتی در متن استعفایش نیز نوشته بود: «من بر این اعتقاد هستم که سه اصل پایبندی به قانون، احترام به قانون مالکیت و اقتصاد بازار رقابتی را در هیچ شرایطی نباید زیر پا گذاشت. آنچه در تدبیر شرایط سخت ناشی از تحریم‌های آمریکا شاهدیم، نقض همین سه شرط است». در این گفت‌وگو تلاش کرده‌ایم به مسائلی که او در دولت با آنها درگیر بوده است، بپردازیم.

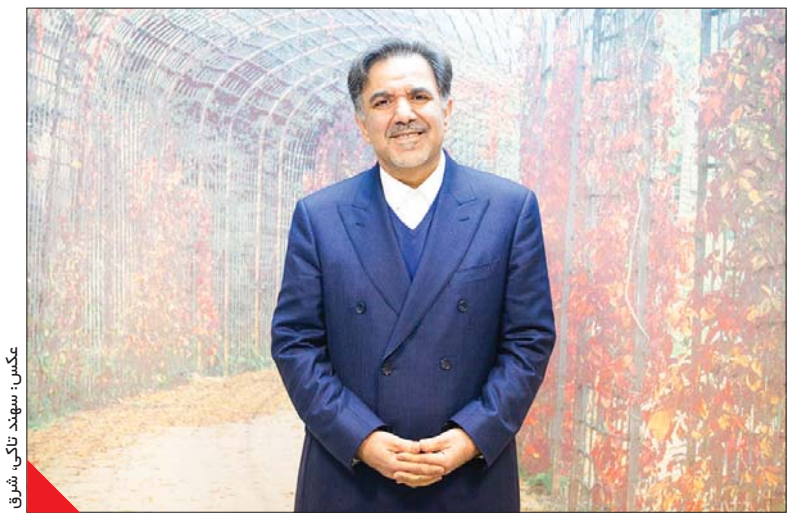

عکس: سهند تاکی، شرق

درحال‌حاضر انتقادهای زیادی به عملکرد آقای روحانی مطرح است. چه‌بسا بخش زیادی از این انتقادها از سوی اصلاح‌طلبانی مطرح می‌شود که در انتخابات حامی آقای روحانی بوده‌اند. شما به صفت اصلاح‌طلب‌بودن در دولت شناخته می‌شدید. بعضی از وزرا نیز بودند که وقتی از دولت خارج شدند، صریح‌تر نقدهایشان را به جریان دولت مطرح می‌کنند. سؤالم این است که ماجرای انتقاد از آقای روحانی به تیپ شخصیتی ایشان برمی‌گردد که نقدها را برنمی‌تابد و کار به جایی می‌رسد که کسی مثل شما مجبور به استعفا می‌شود؟ و اصلا در هیئت دولت منتقدان دیگری هم وجود دارند؟

اول اینکه از نظر اخلاقی از صحبت درباره ویژگی‌های شخصی محذور دارم و از این خط عبور نمی‌کنم. شما هرچه هم فشار بیاورید، از این چارچوب خارج نمی‌شوم. نکته دوم اینکه بحث من هیچ‌گاه شخصی نبود، سیاسی بود.

قطعا شخصی نبود؛ اما شما نقدتان را در قبال سیاست‌هایی ابراز می‌کنید و باید منتظر باشید که پاسخ انتقادهایتان را بشنوید.

درباره بحث سیاستی مشکلی ندارم، صحبت می‌کنیم. دو مثال می‌زنم؛ یکی برجام و دیگری تعیین نرخ ارز. در برجام، سخن من این بود که توافق برجام توافقی امنیتی بود نه اقتصادی؛ پس وقتی آمریکا از برجام خارج شد، ما بیشتر باید برای مراقبت از برجام هوشیاری به‌خرج بدهیم؛ پس چرا اعلام شد چند هفته نیاز به بررسی داریم؟ در این مدت می‌خواستیم چه چیزی را بررسی کنیم؟ من با موضع اعلام‌شده از سوی رئیس‌جمهور کاملا مخالف بودم و می‌گفتم ما باید به‌صراحت اعلام می‌کردیم در برجام باقی می‌مانیم، حتی اگر دیگران همه از برجام بیرون بروند؛ مسئولیت نقض عهد باید بر عهده دیگران باشد، نه ایران. این اولین علامت تردیدآمیزی است که متأسفانه از سوی رئیس‌جمهور به بازار داده شد. ما در این شرایط به‌هیچ‌وجه نباید بازار را با نااطمینانی و عدم قطعیت روبه‌رو می‌کردیم. قاعدتا در پاسخ گفته خواهد شد این کار برای چانه‌زنی و دریافت امتیاز بیشتر از اروپا انجام شد؛ ولی باز پاسخ روشن است. مگر ما چه ارزیابی‌ای از اروپا داشتیم؟ آیا واقعا تصور این بود که در معادله قدرت مادی، اروپا می‌تواند در برابر آمریکا بایستد؟ جدایی اروپا از آمریکا برای ما ارزش سیاسی و امنیتی داشت و دارد؛ بنابراین تعیین سطح انتظاری بیش از این در درون و در خارج، فقط می‌تواند هم در سطح روابط بین‌الملل و هم در سطح افکار عمومی درونی، سوءتفاهم ایجاد کند و اکنون عده‌ای بیایند و بگویند نگفتیم از اروپا کاری برنمی‌آید؟ ما که از ابتدا این را می‌دانستیم که حوزه مانور اروپا بسیار محدود است. نکته دوم هزینه-فایده این موضع است. در واقع دولت می‌خواست از اروپا امتیاز بیشتری دریافت کند؛ ولی در برابر آن یک علامت نااطمینانی به بازار داد، آن‌هم با این همه هزینه. در نتیجه هزینه‌اش بسیار بیشتر از منافعش شد. از نظر من این موضوع را می‌توانستیم از ابتدا پیش‌بینی کنیم. بحث دیگرم این بود که شما به‌هیچ‌وجه نمی‌توانید وارد هیچ‌گونه قیمت‌گذاری ازجمله ارزی شوید؛ پس چرا وارد می‌شوید؟ من اساسا همواره با سیاست قیمت‌گذاری دولت مخالف بودم؛ بنابراین از حیث اخلاقی نمی‌توانستم این روند را که در سال جاری تشدید شده بود، همراهی کنم.

چه کسی این سیاست را مشخص کرد؟ قیمت‌گذاری ارز چهارهزارو۲۰۰تومانی که تبعاتش نیز در اقتصاد مشخص شده و در حوزه‌های مختلف تأثیرات خودش را گذاشته، از کجا آمد؟ در آن جلسه چه کسانی موافق و چه کسانی مخالف بودند؟

در جلسه دولت برای تصمیم‌گیری مطرح نشد.

آقای نیلی گفتند فایل را منتشر کنید... .

من در آن جلسه نبودم. در ستاد اقتصادی دولت تصمیم‌گیری شد. من مخالف هرگونه ایجاد تردید درباره برجام بودم. در بحث شهری، می‌گفتم مفهوم بکوبیم و بسازیم غیرممکن است؛ فارغ از اینکه صددرصد غلط است. چرا بر سیاستی که به صورت آشکار در تمام جهان و ازجمله در ایران شکست خورده است، اصرار می‌کنید؟ همین‌ها برای جداشدن از دولت کافی بود.

مثلا گفته می‌شود اطرافیانی به‌طور مشخص آقای واعظی، نوبخت و نهاوندیان در تصمیمات رئیس‌جمهور اثرگذارند. اینها به‌طور واقعی در تصمیمات آقای روحانی چقدر اثرگذاری دارند و چه مسائلی باعث شده آقای روحانی به شخصیت کنونی تبدیل شود و تصمیماتی بگیرد که انتقاداتی را در پی داشته باشد، آیا این فرایند ماحصل جداشدن از بقیه دولت و نزدیک‌ترشدن به این چهره‌هاست؟ این حدس چقدر به واقعیت نزدیک است؟

افراد در مجموعه‌ای که با هم کار می‌کنند، حتما بر هم تأثیرگذار هستند. اینکه بگویم این‌طور نیست، سخن دقیقی نیست. البته من ریشه مشکلات را در این روابط نمی‌بینم. اینها می‌توانند بحث را تشدید یا تضعیف کنند. بحث من این بوده که اقتصاد و سیاست ایران در خود چالش‌های اساسی دارد. در حوزه اجتماعی شکاف اجتماعی داشتیم. در حوزه سیاسی مشکل سیاست بین‌الملل داشتیم. در حوزه اقتصاد هم چالش‌های عظیمی داشتیم. دولت یازدهم وقتی آمد، با این چالش‌ها برخورد بنیادی نکرد. من از اینکه دولت نسبت به این چالش‌ها تا حدی بی‌تفاوت است، دل‌چرکین بودم. مثلا در دولت یازدهم آیا برای جبران چالش شکاف‌های اجتماعی ایجادشده در دولت قبل، سیاست اجتماعی روشنی وجود داشت که بگوید چگونه می‌خواهم این موضوع را حل کنم؟ و یا دستِ‌کم کاهشش دهم؟ همان‌طور که در مورد تحریم‌های بانکی، بدهی دولت به اقتصاد، بحران رفاه اعم از یارانه‌ها، کسری هزینه‌های طرح سلامت و کسری صندوق‌های بازنشستگی و همین‌طور در مورد سیاستِ خارجی جز برجام نظر روشنی وجود نداشت. برجام هم در حوزه امنیت بین‌الملل بود. یعنی پس از برجام ما با نظریه روشنی که تکلیف نحوه دوستی و مودت سیاسی ایران را با سایر کشورها روشن کند، مواجه نیستیم. قاعدتا در تحلیل شرایط باید همه اینها را در نظر گرفت و کلِ قضایا را به روابط اینکه اساسا دولت نسبت به مسائل بنیادین حوزه سیاست، اقتصاد و اجتماع نظریه‌ای نداشت و اقدامی جدی نکرد؛ ازهمین‌رو وقتی با یک غول نخراشیده و نتراشیده مثل ترامپ مواجه شد، تمام ضعف‌های کارکردی یک‌باره روی میز آمد. دولت باید با این ضعف‌ها روبه‌رو می‌شد و در این مرحله می‌توانید نقش افراد را کنار هم بگذارید. وقتی این اتفاقات روی میز آمد، چه‌کار کردند؟ کسانی که نظریه داشتند، بیشتر مورد بی‌مهری قرار می‌گرفتند. در این شرایط، همه دنبال کار فوری بودند، به آقای نیلی که نظریه داشت و ریشه بحران را در ترامپ نمی‌دید بلکه در عدم پاسخ‌گویی‌های چهار سال گذشته می‌دید، می‌گفتند شما بگویید فردا باید چه‌کار کنیم؟ می‌گفت فردا هم ریشه‌ها را حل کنید. می‌گفتند فعلا قیمت دلار را ۴۲۰۰ تومان تعیین کنیم. از اینجا اختلاف شروع می‌شد. مثلا من می‌گفتم در مورد سیاست خارجی روی برجام پافشاری کنید اما می‌گفتند چانه‌زنی می‌کنیم که بتوانیم با اروپا به نتیجه برسیم. می‌گفتم اگر قرار بود با اروپا چانه‌زنی کنید، دلیل وجود اروپا در برجام حوزه امنیت است نه اقتصاد.

من از اینکه دولت نسبت به این چالش‌ها تا حدی بی‌تفاوت است، دل‌چرکین بودم. مثلا در دولت یازدهم آیا برای جبران چالش شکاف‌های اجتماعی ایجادشده در دولت قبل، سیاست اجتماعی روشنی وجود داشت که بگوید چگونه می‌خواهم این موضوع را حل کنم؟

این چانه‌زدن خالی از وجه است و قس علیهذا. به نظر من در شرایط تنگنا از قضا بیشتر به نظریه نیاز داریم. چون در این شرایط اقدام بدون نظریه فقط می‌تواند تنگناها را تعمیق بخشد و کلاف سردرگمی ایجاد کند که کرد. به هر روی، بحثی را که شما درباره افراد دنبالش هستید، جواب نمی‌دهم؛ چراکه نگرانم تمام ناکارآمدی‌های موجود این‌گونه تفسیر شود که دلیل مشکلات به چهره‌ها محدود شود. نمی‌گویم افراد مؤثر نیستند اما می‌گویم تقلیل ریشه مشکل به رفتار ناشی از چند نفر، واقعا نگاه تقلیل‌گرایانه است و می‌تواند گمراه‌کننده باشد. بنابراین همیشه از این موضع فاصله می‌گیرم. خبرنگارها هم همیشه با من چالش دارند، چون می‌خواهند بگویم بله فلان فرد خیلی دخالت می‌کرد.

سرنوشت دولت دوازدهم را چطور ارزیابی می‌کنید؟

بسیار سخت.

عملکرد دولت دوازدهم چه تأثیری می‌تواند بر انتخابات بعدی داشته باشد؟

دولت دوازدهم هنوز هیچ نشانه‌ای برای اینکه توانسته باشد منحنی روند سیاسی-اقتصادی را عوض کند، از خودش نشان نداده و هنوز در همان مسیر منحنی قبلی پیش می‌رود.

به نظرتان در بهترین شرایط در حفظ روزمرگی به سر می‌برد؟

هنوز حتی نتوانسته نشان بدهد منحنی‌ای که رو به پایین بوده را افقی کرده است. ازاین‌جهت پیش‌بینی مثبتی ندارم. اما تأثیرش در انتخابات ۱۴۰۰، خیلی مهم است که بقیه جریانات سیاسی در جامعه چقدر به‌موقع بتوانند این موضوع را بفهمند. من ازجمله کسانی بودم که همواره معتقد بودم در سال ۹۵ این فرضیه را که همه دولت‌ها باید دودوره‌ای باشند، قبول نداشتم. این چه فرضیه‌ای است که به‌صورت نانوشته در ایران فرض شده است؟ به نظر من هیچ دلیلی ندارد حتما دولت دودوره‌ای باشد اما متأسفانه اصلاح‌طلبان این را نپذیرفتند. حتی سال ۹۴ می‌گفتم دلیلی برای این اتفاق نیست. یکی از گرفتاری‌های ایران این است که دوره‌های ریاست‌جمهوری دودوره‌ای است.

پس شما اختلال کارکرد دولت را متوجه شده بودید.

بله. سال ۹۴ به اکثر بزرگان اصلاح‌طلب گفتم غیرممکن است با این فرمان به موفقیت دست پیدا کنید.

به چه کسانی گفتید؟

نمی‌خواهم از کسی نام ببرم. علت برای من روشن بود؛ چون هیچ نظریه‌ای نبود. همه سرخوش از دستاورد برجام بودند که دستاورد بسیار بزرگی هم بود؛ اما یک فرد اقتصادی می‌توانست متوجه شود که برجام بدون FATF فاقد کارایی اقتصای است. درهرصورت در حوزه اقتصادی اتفاقی در سطح انتظارات، به‌ویژه انتظاری که دولت از خودش ایجاد می‌کرد و مخالفان دولت نیز به آن بیشتر دامن می‌زدند تا بعدها دولت را ناتوان نشان دهند، رخ نداد. همین‌طور در حوزه سیاسی و اجتماعی؛ بنابراین پیش‌بینی‌پذیر بود که دستاورد برجام روزی فرسوده و کم‌اثر خواهد شد. برای من خیلی روشن بود که این دستاورد دائمی نیست؛ حتی اگر ترامپ هم نبود؛ چون درباره دیگر چالش‌ها، اقدام درخوری صورت نگرفته بود. درنهایت این دستاورد با فرسایش مواجه می‌شد.

پاسخ آن بزرگان چه بود؟

نمی‌توانستند شرایط دیگری را تصور کنند. از ترس به‌هم‌خوردن اوضاع در ادامه وضع موجود تردید نمی‌کردند و فکر می‌کردند ممکن است اتفاقات بدتری رخ دهد و می‌گفتند همین را حفظ کنیم که بدتر نشود؛ اما برای من مثل روز روشن بود که اشتباه می‌کنند و این وضع نمی‌تواند تداوم داشته باشد.

ادامه در صفحه ۶

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **نظارت بر تعمیرگاه‌های خودرو:** برخی تعمیرکاران خودرو به‌جای تعمیر لوازم خودرو، تعویض‌کارند و دستمزد بالایی دریافت می‌کنند. نبود نظارت بر کار تعمیرکاران موجب سوءاستفاده و اجحاف به مشتریان است. مسئول نظارت بر تعمیرگاه‌های خودرو کیست؟

علی از تهران

● **مترو در خدمت مسافران یا عطرفروشان؟** برخی ایستگاه‌های مترو، به‌خصوص ایستگاه شهید حقانی در دو طبقه فروشندگان عطر به‌جای اینکه در غرفه‌ها به مشتریان عطر بفروشند، بیرون از غرفه‌ها اقدام به توزیع تستر عطر می‌کنند و باعث بی‌نظمی در حرکت مسافران می‌شوند. به نظر می‌رسد مسئولان مترو به‌جای اینکه در خدمت مسافران و خدمات مطلوب باشند، در خدمت عطرفروشان هستند!

حکیمه‌سادات حسینی

● **ایمن‌سازی جاده‌ها:** مسئولان کمی هم به فکر ایمن‌سازی جاده‌ها باشند تا کمتر شاهد حوادث جاده‌ای باشیم. همیشه رانندگان مقصر صددرصدی در تصادف‌ها نیستند. قصور مسئولان در بی‌تفاوتی به ایمنی جاده‌ها هم نباید دور از ذهن باشد.

نگین قاصدآبادی

● **سیستم پیامکی:** چرا سیستم پیامکی و اطلاع‌رسانی ۲۰۰۱۱۱ شرکت واحد در ایستگاه‌های خط ۲۷۷ غیرفعال است؟

شیما اشراقی

● **گرانی لعاب:** کارخانه‌ها و کارگاه‌های ساخت اجاق گاز به علت گرانی لعاب مشکلات فراوانی تحمل می‌کنند. کارگران آنها به‌موقع حقوق می‌خواهند، در حالی که گرانی لعاب صاحبان کارگاه‌ها و کارخانه‌های تولیدی را از پرداخت حقوق و حق بیمه کارگران ناتوان کرده است. لطفا مسئولان برای پیشگیری از تعطیلی و بی‌کاری عده‌ای، چاره‌اندیشی کنند.

امیرعلی رشیدی از شهرک جعفریه جاده اندیشه

● **تبلیغ‌های نوشابه‌ای!** می‌گویند نوشابه‌های گازدار ضرر دارد. چرا بیشتر شبکه‌های تلویزیون برای نوشابه تبلیغ می‌کند؟

مهدیه مرادی